

جزوه درسی

تفسیر جزء ۸ قرآن کریم

استاد : دین پرستی زید عزه

مدیریت حوزه علمیه قم

مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ

تربیت راهنما

۲ - ۱۳۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

انعام

۱۱۱

اقول: قرآن در مقابل درخواست معجزه توسط مشرکان چه واکنشی نشان می دهد؟ حقیقت معجزه را بیان می کند که عبارت است از نفوذ قدرت الهی در تمام ذرات عالم، حتی در اعماق جان آنها: توحید افعالی.

۱۱۶

ارتباط این آیه با ماقبل: پاسخ توهم: اگر آئین آنها باطل و بی اساس است چرا اینهمه پیرو دارند و اگر ما بر حقیقت چرا اینقدر کم هستیم!؟

۱۱۷

مگر غیر خدا هم علم دارند که از صیغه افعال تفضیل استفاده شده است؟ انسان به وسیله عقل خود، بدون شک، حقایق را درک می کند، و راه هدایت و ضلالت را تا حدودی می فهمد.

[سوره الأنعام (۶): آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴]

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشَاتٌ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۱۴۲) ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبُؤُنِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۴۳) وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۴۴)

۱۴۲

ترجمه واژه های قرمز شده: جمع، نه مفرد.

معنی حمولة

«حمولة» به معنی جمع است، و چنان که علمای لغت گفته اند، مفرد از جنس خود ندارد، و به معنی حیوانات بزرگ برابر مانند شتر و اسب و نظایر آنها است.

معنی فرش

«فرش» به همان معنی معروف است، ولی در اینجا به معنی گوسفند و نظیر آن از حیوانات کوچک تفسیر شده است

- و ظاهراً نکته اش این است که اینگونه حیوانات بسیار به زمین نزدیک هستند، و در برابر حیوانات بزرگ برابر همانند فرشی محسوب می شوند، هر گاه به بیابانی که گوسفندانی در آن مشغول چرا هستند از دور

بنگرم درست به فرشی می‌ماند که روی زمین گسترده شده است، در حالی که گله شتران هیچگاه از دور چنین منظره‌ای ندارد.

- این احتمال را نیز بعضی از مفسران داده‌اند که منظور از این کلمه، فرشهایی است که مردم از حیوانات درست می‌کنند، یعنی بسیاری از حیوانات هم برای باربری مورد استفاده قرار می‌گیرند و هم برای تهیه فرش، ولی احتمال اول نزدیکتر به معنی آیه است.

علت تعبیر مما رزقکم الله

اینکه نمی‌گویند از این حیوانات بخورید، بلکه می‌گویند از آنچه به شما داده است تناول کنید، به خاطر آن است که حیوانات حلال گوشت منحصر به چهارپایان نیستند،^۱ بلکه حیوانات دیگری نیز حلال گوشتند که در جمله فوق از آنها ذکر نشده است.

۱۴۴

دروغ بستن به خدا: بزرگ‌ترین ستمها

از آیه فوق استفاده می‌شود که دروغ بستن به خدا یکی از بزرگترین ستمها است، ستم به مقام مقدس پروردگار، و ستم به بندگان خدا، و ستم به خویشتن^۲

وجه به کار بردن اظلم در اینگونه موارد

و همانطور که سابقاً گفته‌ایم، تعبیر به «ستمکارترین» در اینگونه موارد جنبه «نسبی» دارد، بنابراین مانعی ندارد که عین این تعبیر در مورد بعضی از گناهان کبیره دیگر ذکر شود.^۳

[سوره الأنعام (۶): آیه ۱۴۵]

قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۴۵)

مرجع ضمیرانه

ضمیرانه با اینکه مفرد است، به عقیده بسیاری از مفسران به هر سه قسمت (گوشت مردار، خون و گوشت خوک) باز می‌گردد، و معنی جمله چنین است «همه آنچه گفته شد پلیدی است»^۴ «۱» و متناسب با ظاهر آیه نیز همین است که ضمیر به تمام آنها بازگردد، زیرا شک نیست که مردار و خون همانند گوشت خوک پلید است.

^۱ اقول: این مطلب با توجه به ترجمه صحیح انعام روشن تر می‌شود.

^۲ ظلم نسبت به ذات پاک او که شریکی برای او قائل شده، و ظلم بر خویشتن که شخصیت و ارزش وجود خود را تا سر حد پرستش یک قطعه سنگ و چوب پائین آورده، و ظلم بر اجتماع که بر اثر شرک گرفتار تفرقه و پراکندگی و دور شدن از روح وحدت و یگانگی شده است. (تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۱۸۴، ذیل آیه ۲۱ انعام)

^۳ در ذیل آیه ۲۱ توضیح دیگری آورده است:

همه این امور در حقیقت از یک جا ریشه می‌گیرد و آن مسئله شرک و کفر و عناد است؛ زیرا منع مردم از ذکر خدا در مساجد و سعی و کوشش در ویران ساختن آنها نشانه کفر و شرک است، و همچنین کتمان شهادت که ظاهراً منظور از آن کتمان شهادت بر حقایقی است که موجب سرگردانی مردم در وادی کفر می‌شود از چهره‌های گوناگون شرک و انکار خداوند یگانه است.

پاسخ به یک سؤال / حصر غذاهای حرام در ۴ مورد/

در اینجا یک سؤال پیش می‌آید که چگونه تمام محرّمات الهی در زمینه غذاها منحصر به چهار چیز شمرده شده است، با اینکه می‌دانیم غذاهای حرام منحصر به اینها نیست، گوشت حیوانات درنده و گوشت حیوانات دریایی (جز ماهی فلس‌دار) و مانند آنها همگی حرام هستند در حالی که در آیه هیچ نامی از آنها به میان نیامده و محرّمات منحصر به چهار چیز شمرده شده است؟

جواب نادرست: اختصاص ۴ مورد به مکه

بعضی در پاسخ این سؤال گفته‌اند که به هنگام نزول این آیات در مکه، هنوز حکم تحریم سایر غذاهای حرام نازل نشده بود، ولی این جواب صحیح به نظر نمی‌رسد، گواه این سخن آنکه عین همین تعبیر یا شبیه آن در بعضی از سوره‌های مدنی نیز دیده می‌شود، مانند آیه ۱۷۳ سوره بقره.

جواب درست: حصر اضافی در مقابل خرافات مشرکان

ظاهر این است که این آیه، تنها نظر به نفی احکام خرافی مشرکان دارد و به اصطلاح، «حصر اضافی» است، و به تعبیر دیگر آیه می‌گوید: محرّمات الهی اینها هستند نه آنچه شما به هم بافته‌اید.

تفسیر نمونه، ج ۶، ص: ۱۶

مثال برای حصر اضافی

برای روشن شدن این سخن بد نیست مثالی بزنیم، کسی از ما سؤال می‌کند آیا حسن و حسین، هر دو آمدند، ما در جواب می‌گوئیم نه فقط حسن آمد، در اینجا منظورمان این است که آمدن نفر دوم، یعنی حسین را نفی کنیم، اما هیچ مانعی ندارد کسان دیگری که اصلاً مورد بحث ما نبوده‌اند آمده باشند، چنین حصری را حصر اضافی (یا نسبی) می‌گویند.

اما باید توجه داشت که ظاهر حصر، معمولاً حصر حقیقی است مگر در مواردی که قرینه‌ای در کار باشد مانند آیه مورد بحث.

۱۴۷

بر خورد خدا با مکذبان

از آنجا که لجاجت یهود و مشرکان روشن بوده و امکان داشته پافشاری کنند و پیامبر ص را تکذیب نمایند، در آیه بعد خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که «اگر ترا تکذیب کنند به آنها بگو پروردگارتان رحمت وسیع و پهناوری دارد» و شما را زود مجازات نمی‌کند بلکه مهلت می‌دهد، شاید از اشتباهات خود برگردید و از کرده خود پشیمان شوید و به سوی خدا باز آئید (فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ^۴).

^۴ (۱) در واقع کلمه «انه» به معنی «ان ما ذکر» است.

^۵ اشاره به ریشه برخورد

^۶ اشاره به جلوه اولیه و اصلی برخورد

ولی اگر از مهلت الهی باز هم سوء استفاده کنید، و به تهمتهای ناروای خود ادامه دهید، بدانید کیفر خداوند قطعی است، و سرانجام دامان شما را خواهد گرفت، زیرا «مجازات او از جمعیت مجرمان دفع‌شدنی نیست» (وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ^۷).

تفسیر نمونه، ج ۶، ص: ۲۰

این آیه به خوبی عظمت تعلیمات قرآن را روشن می‌سازد که بعد از شرح این همه خلافاکارهای یهود و مشرکان، باز آنها را فوراً تهدید به عذاب نمی‌کند؛ بلکه نخست با تعبیرهای آکنده از محبت مانند ربکم (پروردگار شما) دُو رَحْمَةً (صاحب رحمت است) و واسعاً (رحمتش پهناور می‌باشد) راه بازگشت را به سوی آنها گشوده، تا اگر کمترین آمادگی برای این موضوع در آنها وجود داشته باشد، تشویق شوند و به سوی حق بازگردند. اما برای اینکه رحمت پهناور الهی باعث جرئت و جسارت و طغیان آنان نگردد، و دست از لجاجت بردارند در آخرین جمله آنها را تهدید به مجازات قطعی خدا می‌کند.

۱۴۸

سه توجیه برای جرماها^۸

در آیه دو بیان آمده که در اولی، دو احتمال است:

نسبت دادن گناهان به خدا

جبر^۹

۱. گنهکاران، تمایل به عقیده جبر دارند تا خود را تبرئه و توجیه کنند. (مهم در تبلیغ و تربیت)
۲. دلیل بر اختیار: وجدان انسان ← مصداق عینی وجدان در تفسیر نمونه: عکس‌العمل نشان دادن آنها در حقیقت می‌خواستند خود را از این همه گناه تبرئه کنند، و گر نه وجدان هر انسان عاقلی گواهی می‌دهد که بشر در اعمال خویش آزاد است نه مجبور، به همین دلیل اگر کسی ظلمی در حق او کند، ناراحت می‌شود و او را مؤاخذه می‌کند و در صورت «توانایی» مجازات می‌نماید، همه اینها نشان می‌دهد که مجرم را در عمل خویش آزاد می‌بیند، نه مجبور، و هرگز به این عنوان که عمل او مطابق خواست خدا است، حاضر نمی‌شود از عکس‌العمل صرف نظر کند. (دقت کنید)

سکوت (تقریر) خدا

البته این احتمال^{۱۰} در معنی آیه نیز هست که آنها مدعی بوده‌اند سکوت خدا در برابر بت‌پرستی و تحریم پاره‌ای از حیوانات، دلیل بر رضایت او است زیرا اگر راضی نبود می‌بایست به نوعی ما را از این کار باز دارد.

^۷ اشاره به برخورد متناسب با شرائط

^۸ ما هم به هر سه، مبتلا می‌شویم. باید مراقب خودمان باشیم.

^۹ مشکل بسیاری از نوجوانان و جوانان در شبهه جبر یا طغیان شهوات (اعم) است و یا مشکلات زندگی. در برخورد با آنها دقت شود.

^{۱۰} می‌توان این احتمال را نیز توأم با احتمال قبلی پذیرفت.

و با ذکر جمله و لا آباؤنا می خواسته اند به عقاید پوچ خود رنگ قدمت و دوام بدهند و بگویند این چیز تازه ای نیست که ما می گوئیم، همواره چنین بوده است.

پاسخ های قاطع قرآن به هر سه توجیه

پاسخ به جبر

۱. اقول: بر اساس آیه «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا»:

۱,۱. دلیل اصلی: وجدان

۱,۲. علاماتِ عدم جبر:

۱,۲,۱. عکس العمل خدا: سختی و عذاب خدا نصیب گذشتگان شده و نصیب آنها

نیز خواهد شد

۱,۲,۲. دعوت انبیا: اصولاً دعوت انبیا خود مهمترین دلیل برای آزادی اراده و

اختیار انسان است.

۱,۲,۲,۱. كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

۱,۲,۲,۲. قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ (۱۴۹)

۱,۲,۳. تفاوت انسانها در رد و قبول

۱,۲,۴. تفاوت حالات یک انسان در رد و قبول مطالب مختلف

پاسخ به سکوت

۲. عدم تأیید خدا با سکوت، به دو دلیل:

۲,۱. ارسال انبیا کرده:

۲,۱,۱. كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ: اگر او به این اعمال راضی بود چگونه

پیامبران خود را برای دعوت به توحید می فرستاد؟

۲,۱,۲. قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ (۱۴۹)

۲,۲. بیان عاقبت جرم و توجیه: حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا

دلالت دوام در باطل

۳. گذشتگان را به دلیل تکذیب، مذمت می کند؛ پس دوام این تکذیب مذموم، بیان تراکم باطل است، نه تأیید.

اما قرآن در پاسخ آنها به طرز قاطعی بحث کرده، نخست می گوید: تنها اینها نیستند که چنین دروغهایی را بر خدا می بندند «بلکه جمعی از اقوام گذشته نیز همین دروغها را می گفتند ولی سرانجام گرفتار عواقب سوء

اعمالشان شدند و طعم مجازات ما را چشیدند». «۱»

(۱) «کذب» در لغت عرب هم به معنی «تکذیب کردن دیگری» و هم به معنی «دروغ گفتن» آمده است. اقول: در لغت نیافتم.

زندگی و قضاوت های بی دلیل

برخورد دانشی: فقدان علم

سپس می گوید: «به آنها بگو آیا راستی دلیل قطعی و مسلمی بر این ادعا دارید اگر دارید چرا نشان نمی دهید» (قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا)

برخورد گرایشی

- از طریق استفهام و رها نکردن تا یک سره شدن کار: قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا
- بیان حالت روانی: إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ← استمرار و انحصار در پیروی از گمان و دروغ پردازی بر اساس گمان^{۱۱}

۱۴۹

مفاد واژه حجت

«حجت» در اصل از ماده «حج» به معنی قصد است

«محجه»: جاده و راه که مقصود و منظور انسان است

«حجت»: دلیل و برهان که گوینده قصد دارد به وسیله آن مطلب خود را برای دیگران ثابت کند.

مفاد واژه بالغه

«بالغه»: رسا ← دلائل خداوند برای بشر از طریق عقل و نقل و دانش و خرد، و فرستادن پیامبران، از هر نظر روشن و رسا است، به طوری که جای هیچگونه تردید برای افراد باقی نماند.

لزوم رساندن پیام

اقول: حجت باید برسد، نه اینکه بگوییم و از زیرش در برویم.

بالغ شدن حجت الهی، مستلزم عصمت او است

و به همین دلیل خدا پیامبران را معصوم از هر گونه خطا و اشتباه قرار داده تا هر گونه تردید و دودلی را از دعوت آنان دور سازد.

اقول: وظیفه مبلغان: تبیین عینی عصمت در زندگی پیامبران و ائمه.

۱۵۱

... وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ...

^{۱۱} الخُرَاصُ: الكذاب، و هو من هذا، لِأَنَّهُ يَقُولُ مَا لَا يَعْلَمُ وَلَا يَحْقُقُ. (معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص: ۱۶۹)

و التحقيق ان الأصل الواحد في هذه المادة هو افتعال و اختلاف على الظن من دون ان يستند الى أساس محكم و أصل متين، و هذا المعنى إنما يحصل بعد حصول الظن، معتمدا عليه، كَخَرُصِ النَّخْلِ و الثمر. و تفسيرها بالكذب ليس على ما ينبغي. (التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۳، ص: ۴۰)

گناهان آشکار و پنهان

شک نیست که جمله «ما ظَهَرَ مِنْهَا وَ ما بَطَّنَ» هر گونه گناه زشت آشکار و پنهانی را شامل می‌شود، ولی در بعضی از احادیث از امام باقر ع نقل شده که فرمود:

ما ظهر هو الزنا و ما بطن هو المحالۃ^{۱۲}: «منظور از گناه آشکار، زنا و منظور از گناه پنهان، گرفتن معشوقه‌های نامشروع پنهانی و مخفیانه است»

اما روشن است که ذکر این مواد به عنوان بیان یک مصداق روشن است، نه اینکه منحصر به همین مورد بوده باشد.

- مفید در بحث روابط دختر و پسر بر اساس قرآن و روایت

۱۵۱-۱۵۲

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ ما بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۵۱) وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَ بَعْدِ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲)

نزدیک این گناهان نشوید

در آیات فوق، در دو مورد تعبیر به لا تقرّبوا (نزدیک نشوید) شده است، این موضوع در مورد بعضی از گناهان دیگر نیز در قرآن تکرار شده است، به نظر می‌رسد که این تعبیر در مورد گناهانی است که «وسوسه‌انگیز» است مانند «زنا و فحشاء» و «اموال بی‌دفاع یتیمان» و امثال اینها، لذا به مردم اخطار می‌کند که به آنها نزدیک نشوند، تا تحت تاثیر وسوسه‌های شدیدشان قرار نگیرند.

- مهم در عرصه تبلیغ و تربیت، خصوصاً برای جوانان.

۱۵۲

وَ بَعْدِ اللَّهُ أَوْفُوا: در اینکه منظور از «عهد الهی» در این آیه چیست، مفسران احتمالاتی داده‌اند، ولی مفهوم آیه، همه پیمانهای الهی را اعم از پیمانهای «تکوینی» و «تشریحی» و تکالیف الهی و هر گونه عهد و نذر و قسم را شامل می‌شود.

- به مناسبت «پیمان تکوینی»: اشاره به عالم ذر، و نظر آقای صفایی

۱۵۱-۱۵۳

مقایسه با ده فرمان عهد عتیق

خروج فصل ۲۰

۱. نفی شرک

۲. نهی از مجسمه سازی / نهی از سجده بر مجسمه: ۵ نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما زیرا من که یهوه خدای تو میباشم خدای غیور هستم که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند میگیرم. ۶ و تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه میدارند رحمت میکنم.

۳. نام خدا: ۷ "نام یهوه خدای خود را به باطل مبر زیرا یهوه کسی را که اسم او را به باطل برد بیگناه نخواهد شمرد.

۴. روز سبت: ۸ "روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی. ۹ شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور. ۱۰ اما روز هفتمین سبت یهوه خدای توست. در آن هیچ کار مکن تو و پسر و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه ات و مهمان تو که درون دروازه های تو باشد. ۱۱ زیرا که در شش روز یهوه آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست بساخت و در روز هفتم آرام فرمود^{۱۳}. از این سبب یهوه روز هفتم را مبارک خوانده آن را تقدیس نمود.

۵. والدین: ۱۲ پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می بخشد دراز شود.

۶. ۱۳ "قتل مکن.

۷. ۱۴ "زنا مکن.

۸. ۱۵ "دزدی مکن.

۹. ۱۶ "بر همسایه خود شهادت دروغ مده.

۱۰. ۱۷ "به خانه همسایه خود طمع مورز و به زن همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد طمع مکن."

۱۵۴

معنای تأخیر در تم:

در آیات قبل، سخن از ده حکم اساسی و اصولی اسلام در میان بود، که زیر بنای بسیاری از احکام اسلامی محسوب می شود،

أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ← این احکام، مخصوص آئین و مذهب معینی نیستند، بویژه اینکه تمام آنها از اصولی است که عقل به روشنی، آنها را تصدیق و تایید می کند، و به این ترتیب مضمون آیات گذشته بیان احکامی است که نه تنها در اسلام بلکه در تمام ادیان بوده است.

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ ← تم: عطف با تاخیر ← نخست به انبیای پیشین، این فرمانهای همگانی و عمومی را ابلاغ کردیم، سپس به موسی کتاب آسمانی دادیم، و این برنامه ها و تمامی برنامه های لازم را در آن شرح دادیم.

^{۱۳} آیا این عبارت به معنی آرام کردن مخلوقات از طرف خدا است یا آرام شدن خود خدا و استراحت کردنش؟

تعبیر بینه از کتاب آسمانی

جالب اینکه به جای تعبیر به کتاب آسمانی، تعبیر به «بینه» شده است، اشاره به اینکه این کتاب آسمانی از هر نظر روشن و روشنگر و آمیخته با دلائل قاطع است.

معنای صدف

۱. «صدف» از ماده «صدف» (بر وزن حذف) به معنی اعراض کردن شدید و بدون تفکر از چیزی است، اشاره به اینکه آنها نه تنها از آیات خدا روی گردانیدند بلکه با شدت از آن فاصله گرفتند، بدون اینکه درباره آن کمترین فکر و اندیشه‌ای به کار برند.
۲. گاهی این کلمه به معنی جلوگیری کردن و ممانعت دیگران نیز آمده است.

وجه تکرار جمله «يَصْدُقُونَ»

«... فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدُقُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدُقُونَ...»

تکرار جمله «يَصْدُقُونَ» در هنگام بیان کیفر اینگونه اشخاص، به خاطر روشن ساختن این حقیقت است که تمام گرفتاریها و بدبختیهای آنان از اینجا سرچشمه می‌گیرد که بدون فکر و مطالعه از حقایق، روی گردان می‌شوند، و اگر حد اقل به عنوان یک شخص جستجوگر و در حال شک به خود اجازه مطالعه می‌دادند هیچگاه گرفتار چنین عواقب دردناکی نمی‌شدند.

- اقول: مسئله کفر و ارتداد: نظر شیخ بهایی (مکتب در فرآیند تکامل)

مراد از جمله «أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا» چیست؟ عمل صالح

وجوه تکرار قل در این سوره

۱. شناخت فضای نزول سوره: درگیری شدید پیامبر ص در این سوره با منطق مشرکان: در ترتیب نزول (سوره ۵۵)، درست بعد از سوره حجر است.
۲. ثمره برای مشرکان: قطع بهانه با تأکید بر الهی بودن متن: تکرار کلمه «قل» نشانه این است که تمام این گفتگوها به فرمان خدا و به تعبیر دیگر عین منطق پروردگار است، نه نظرات شخص پیامبر ص.
۳. ثمره علوم قرآنی: عدم تحریف قرآن ← روشن است ذکر کلمه «قل» در این آیات و مانند آنها در متن قرآن، برای حفظ اصالت قرآن و نقل عین کلماتی است که بر پیامبر ص وحی شده و به تعبیر دیگر پیامبر ص هیچگونه تغییری در الفاظی که بر او وحی می‌شد نمی‌داد و حتی کلمه «قل» را که خطاب پروردگار به او است، عیناً ذکر می‌کرد.
۴. ثمره تربیتی: از طرف خدا حرف زدن مربی و مبلغ

لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

چگونه پیامبر ص اولین مسلمان بود

در آیه فوق پیامبر ص به عنوان اولین مسلمان ذکر شده است، و در این باره در میان مفسران گفتگو است، زیرا می‌دانیم اگر منظور از «اسلام» معنی وسیع این کلمه بوده باشد تمام ادیان آسمانی را شامل می‌شود و به همین دلیل این کلمه (مسلم) بر پیامبران دیگر نیز اطلاق شده است،

- درباره نوح ع می‌خوانیم: وَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ «مامورم که از مسلمانان باشم» (یونس - ۷۲)
- و درباره ابراهیم خلیل ع و فرزندش اسماعیل نیز می‌خوانیم: رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ: «خداوندا ما را برای خودت مسلمان قرار ده» (بقره - ۱۲۸)
- و درباره یوسف ع آمده است توفنی مسلما: «مرا مسلمان بمیران» (یوسف - ۱۰۱) و همچنین پیامبران دیگر.

البته «مسلم» به معنی کسی است که در برابر فرمان خدا تسلیم است و این معنی درباره همه پیامبران الهی و امتهای مؤمن آنها صدق می‌کند، با این حال، اولین مسلمان بودن پیامبر اسلام ص

- یا از نظر کیفیت و اهمیت اسلام او است، زیرا درجه تسلیم و اسلام او بالاتر از همگان بود
- و یا اولین فرد از این امت بود که آئین قرآن و اسلام را پذیرفت.
- در بعضی از روایات نیز وارد شده است: که منظور نخستین کسی است که در عالم ارواح به دعوت پروردگار و سؤال او در زمینه الوهیتش پاسخ مثبت داد «۱»^{۱۴}

○ اقول: توجه شود که پیامبر، از نگاه خدا اولین مسلمانان است. اگر به بیان مرحوم صفایی از عالم ذر توجه کنیم، معلوم می‌شود که نگاه خدا، زمانی نیست و تعبیر اول، یعنی اول در کل هستی، نه در زمان. بنابراین، احتمال اول و سوم یکی هستند.

قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْعَى رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.

۱- گاهی بار گناه دگران را بر دوش می‌کشیم!

توهم تعارض این آیه با پاره‌ای از آیات دیگر قرآن و بعضی از روایات نحل ۲۵: لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ «آنها در روز رستاخیز بار سنگین گناهان خویش را باید بر دوش بکشند، و همچنین بار گناهان کسانی را که با بی‌خبری و جهل خود گمراه ساختند».

^{۱۴} (۱) تفسیر صافی ذیل آیه.

احادیث مربوط به «سنت حسنه» و «سنت سیئه» که از طرق شیعه و اهل تسنن وارد شده است، بدون آنکه از پاداش یا جرائم خود آنها کاسته شود

قال رسول الله ص من سن سنه حسنه كان له اجر من عمل بها من غير ان ينقص من اجورهم شيء و من سن سنه سيئه كان عليه وزر من عمل بها من غير ان ينقص من اوزارهم شيء
حل تعارض: تسبيب، به معنی دخالت در عمل دیگری است و عمل خود مسبب محسوب می شود.

۲- آیا اعمال نیک دیگران برای ما مفید است؟

- تعارض آیه «عمل هر کس تنها بدرد خود او می خورد» با روایاتی که می گویند کارهای خیری که به عنوان نیابت یا هدیه کردن ثواب برای اموات و مردگان و حتی گاهی برای افراد زنده انجام می گیرند، مفیدند.
- پاداش اعمال بستگی به اثراتی دارد که از انجام کار خیر در روح و جان انسان به جای می ماند و در تکامل و ترقی او مؤثر است، اما کسی که هیچ کار نیکی انجام نداده و حتی در مقدمات آن نیز دخالت نداشته است چگونه ممکن است آن اثر روحی و معنوی را پیدا کند؟

پاسخ:

۱- هدایای معنوی مردم به یکدیگر، به دلیل یافتن امتیاز و صفت برجسته و نقطه درخشان در زندگی آنها است و در واقع شخص منوب عنه، اثر خوبی خود را می بیند.

۲- پاداشهایی که خداوند به افراد می دهد بر دو گونه است:

- پاداشهای اختصاصی هر فرد: متناسب با وضع تکامل روحی و شایستگی افراد
- پاداشهای انتقالی: از آنجا که هر کار نیکی اطاعت فرمان خدا است، و شخص مطیع و فرمانبردار در برابر اطاعتی که کرده استحقاق پاداشی دارد، می تواند این پاداش را به میل خود به دیگری هدیه کند. مثل استادی که او با تدریس خود دو گونه نتیجه می گیرد:
- در پرتو تدریس، در جنبه های علمی کاملتر و قویتر می شود: مخصوص خود اوست و نمی تواند به دیگری اهداء کند؛
- حقوقی دریافت می کند: می تواند به افراد مورد علاقه اش هدیه کند.

اقول:

از بعضی از عبارات نمونه برمی آید که اهداء ثواب، به معنی صرف نظر کردن از ثواب خودمان است، که اینطور نیست.

۱۶۵

خلافت انسان در روی زمین

نکته جالب دیگر اینکه: قرآن کرارا انسان را به عنوان «خلیفه» و «نماینده خدا در روی زمین» معرفی کرده است، این تعبیر ضمن روشن ساختن مقام بشر، این حقیقت را نیز بیان می کند که اموال و ثروتها و استعدادها و تمام

مواهبی که خدا به انسان داده، در حقیقت مالک اصلی او است، و انسان تنها نماینده و مجاز و ماذون از طرف او می‌باشد و بدیهی است که هر نماینده‌ای در تصرفات خود استقلال ندارد بلکه باید تصرفاتش در حدود اجازه و اذن صاحب اصلی باشد.

و از اینجا روشن می‌شود که مثلاً در مسأله مالکیت، اسلام هم از اردوگاه «کمونیسم» فاصله می‌گیرد و هم از اردوگاه «کاپیتالیسم» و سرمایه‌داری، زیرا

- دسته اول مالکیت را مخصوص اجتماع،
- و دسته دوم در اختیار فرد می‌داند،
- اما اسلام می‌گوید: مالکیت نه برای فرد است و نه برای اجتماع، بلکه در واقع برای خدا است و انسانها وکیل و نماینده اویند و به همین دلیل اسلام، هم در طرز درآمد افراد، نظارت می‌کند، و هم در چگونگی مصرف، و برای هر دو قیود و شروطی قائل شده است که اقتصاد اسلامی را به عنوان یک مکتب مشخص در برابر مکاتب دیگر قرار می‌دهد.

سوره اعراف

مقدمه

تفسیر: این سوره از سوره‌های مکی است بجز آیه و استلهم عن القریه- تا- بما کان یفسقون که در مدینه نازل شده است.

اقول: ظاهراً قرینه روشنی برای اثبات این مدعا وجود ندارد.

تفاوت سوره های مکی و مدنی

اول فرهنگ سازی، سپس قانونگذاری برای موارد نیاز
چهار مرحله نزول قرآن بر اساس تحول فرهنگی در جامعه:

- دعوت علنی، رویش پنهانی
- بروز اجتماعی و گروهی مسلمانان
- تشکیل حکومت در مدینه
- قانونگذاری برای صیانت از ارزشهای تثبیت شده

پاراگراف بندی سوره

تفسیر نمونه

۱. اشاره کوتاه و محکمی به مسأله "مبدء و معاد" (۱-۹)
۲. داستان آفرینش آدم، برای احیای شخصیت انسان (۱۰-۲۵)
۳. شمردن پیمانهای که خدا از فرزندان آدم در مسیر هدایت و صلاح گرفته (۲۶-۵۸)
۴. بیان سرگذشت بسیاری از اقوام پیشین و انبیای گذشته (مانند "نوح" و "لوط" و "شعیب") ←

○ برای نشان دادن شکست و ناکامی اقوامی که از مسیر توحید و عدالت و پرهیزگاری منحرف می‌شوند،

○ و برای نشان دادن پیروزی مومنان راستین

با سرگذشت مشروح بنی اسرائیل و مبارزه "موسی" با فرعون پایان می‌دهد. (۵۹-۱۷۸)^{۱۵}

۵. در آخر: بازگشت به مساله مبدء و معاد (۱۷۹-۲۰۶)

شناختنامه استاد بهجت پور

۱. (۹-۱) امر هشدار آمیز به مردم در تبعیت از اوامر پروردگار و نهی از انتخاب سرپرستی غیر خدا
۲. (۳۶-۱۰) پندهایی که انسان باید از ماجرای فریب خوردن آدم و حوا از شیطان بگیرد تا گرفتار ولایت شیطان نشود.
۳. (۱۰۲-۳۷) ایجاد انگیزه برای پذیرش ولایت الهی و دوری از ولایت غیر خدا
۴. (۱۸۶-۱۰۳) بشارت و هشدار به مکیان تازه مسلمان در پذیرش یا عدم پذیرش ولایت الهی با بیان داستان بنی اسرائیل
۵. (۲۰۶-۱۸۷) تطبیق مباحث ولایت الهی و پیامدهای منفی برخوردار نامناسب با آیات الهی بر قوم پیامبر اکرم و تعیین تکلیف ایشان

حروف مقطعه

- جلب توجه مخاطبان
- رمز اسامی خدا

آیه ۶

وجه جمع بین آیاتی که سؤال در قیامت را نفی می‌کنند با این آیه:

- مراحل قیامت
- انواع سؤال (زبانی و غیر زبانی)
- ...
- انواع سؤال (استفهامی و تفهیمی)

آیه ۸

مفهوم میزان اعمال: روش مفهوم شناسی واژه‌ها: بر اساس قاعده «خذ الغایات و اترك المبادی»:

- هدف از چراغ: روشن کردن فضا
 - هدف از میزان و ترازو: اندازه گیری و ارزیابی
- مصدق میزان الاعمال:
- شخصیت‌های برتر: اهل بیت

^{۱۵} اگر این قسمت را قبل از قصه بلعم باعورا خاتمه یافته بدانیم در آیه ۱۷۱ تمام می‌شود و قسمت بعدی از ۱۷۲ شروع می‌شود.

○ تفسیر نمونه: این احتمال نیز وجود دارد که هر کدام از آنها در صفتی ممتاز بوده‌اند، بنا بر این هر یک میزان سنجش یکی از صفات و اعمال آدمی هستند و چون اعمال و صفات انسانها مختلف است، الگوها و ترازوهای سنجش نیز باید مختلف باشد.

فیه نظر: ملاک، سعی است یعنی نسبت عمل با امکانات و توان. همه اهل بیت کسانی هستند که به میزان امکاناتشان تلاش کرده اند.

• ملاک های ارزش: عدل

۹

ظلم به آیات: آیات را در جای خود نگذاشتن

- برنامه های خدا در عینیت زندگی جریان نداشته باشد
 - رهبران الهی در مقام پیشوایی و الگویی نباشند: ازالتم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها
 - استعدادهای خودمان که در جای خود خرج نمی شوند: خسروا انفسهم بما کانوا بآیاتنا یظلمون
- تعبیر تکذیب آیات و استکبار از آیات (آیه ۳۶)

• برنامه ها دروغند و به سعادت نمی رسانند

• ما برنامه های بهتری داریم: ملکیان:

○ شروط جواز خودکشی

○ شرائط ازدواج اخلاقی

۱۲

کیفیت سخن گفتن خدا با شیطان:

نمونه: گفتگوی خدا، همیشه جنبه وحی ندارد، بلکه وحی عبارت از پیام رسالت و نبوت است، و هیچ مانعی ندارد که خداوند با شخص دیگری نه به عنوان وحی و رسالت، بلکه از طریق الهام درونی، یا به وسیله بعضی از فرشتگان سخن بگوید، خواه این شخص از صالحان و پاکان باشد، همانند مریم و مادر موسی یا از ناصالحان باشد مانند شیطان!

• اقول: به معنای لغوی وحی و انواع وحی که در کتب علوم قرآن بحث شده توجه شود. (القاء سریع و خفی)

۱۶۱۸

علت وجود و بقاء شیطان:

- بر اساس حکمت، نظام احسن، باید دارای خیر بیشتر و شر کمتر باشد.
- و وجود تکامل اختیاری جزء خیرهای بسیار مهم است که صرف نظر کردن از آن خلاف حکمت است.

- مایه تضاد بیشتر بین گرایش های انسان که نتیجه اش عبارت است از:
 - شناخته تر شدن مسیر حق از باطل
 - توانا تر شدن انسانی که در مسیر هدایت است با وجود تضادهای بیشتر
- وجود: دوران عبادت و دو ثمره قبل؛ بقاء: اجر عبادات بسیار زیاد ابلیس قبل از تمرد بر اساس عدل الهی

۲۲

دلیل اینکه آدم و حوا از اول لباس داشتند و پس از معصیت، لباسشان کنده شد چیست؟

- بدت لهما سوآتهما: بدت فرمود نه مثلا علما سوآتهما
- آیه ۲۷ همین سوره: يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا
- دو دلیل برتری نظر نهی تنزیهی بر نهی ارشادی در قصه حضرت آدم ع:
 - نیاز به غفران
 - آموزش تکلیف در دوران بهشت نشینی آدم
- عدم منافات تعابیر "نهی" و "عصیان" و "غفران" و "ظلم"، با مقام عصمت انبیاء:
 - صدق این عناوین به حسب مرتبه خودشان است، نه در قیاس با ما.
 - عناوین به شکلی می آیند که بر ما و سطح ما نیز جاری باشند تا امکان درس گیری ما وجود داشته باشد.

۲۳

- مقایسه برخورد آدم و حوا با برخورد ابلیس، پس از التفات به معصیت خود، با اینکه معصیت ابلیس، ترک امر الزامی عمومی بود و معصیت آدم، ترک امر الزامی خاص به مرتبه خودش بود.
- توبه یا عناد: بسیار مؤثر در امر تبلیغ و تربیت

۲۳ تا ۲۵

زبان قصه های قرآن: حقیقی در عین سمبولیک بودن

۲۶

دلیل تعبیر انزال لباس: رسیدن همه نعمتها از طرف مقام والای ربوبی

بررسی عبارات نمونه از نظر تربیتی:

- اما متأسفانه در عصر ما، جنبه های فرعی و حتی نامطلوب و زننده لباس بقدری گسترش یافته که فلسفه اصلی لباس را دارد تحت الشعاع خود قرار می دهد. لباس عاملی شده برای انواع تجمل پرستی ها، توسعه فساد، تحریک شهوات، خودنمایی و تکبر و اسراف و تبذیر و امثال آن، حتی گاه لباسهایی در میان جمعی از مردم به خصوص "جوانان غرب زده" دیده می شود که جنبه جنون آمیز آن بر جنبه عقلانیتش برتری دارد و به همه چیز شباهت دارد جز به لباس، اصولاً چنین به نظر می رسد که کمبودهای روانی

عاملی برای به نمایش گذاردن اینگونه انواع لباسهای عجیب و غریب است، افرادی که نمی‌توانند با کار چشمگیری خود را به جامعه نشان دهند، سعی دارند با لباسهای نامانوس و غریب و عجیب وجود و حضور خود را در جامعه اثبات کنند، و به همین دلیل ملاحظه می‌کنیم، افراد با شخصیت و آنها که دارای عقده حقارتی نیستند، از پوشیدن این گونه لباسها متنفرند.

○ اقول: مخاطب این سخنان یکی از دو گروه خواهند بود:

▪ خود این جوانان (عامل تنفر آنها خواهد شد)

▪ مریبان آنها (عامل برخوردهای سطحی و تنفرزا خواهد شد؛ زیرا آنها احاطه آیه‌الله

مکارم به معارف دین را ندارند)

○ باید روش برخورد مناسب را با توجه به اثر مطلوب تربیتی گشت و یافت.

آیا آیه، حجاب را نفی می‌کند؟ (و لباس التقوی ذلک خیر) ← هر لباسی باید لباس تقوا باشد، لباس تقوا در مقابل سایر لباسها نیست بلکه روح حاکم بر تمام لباسهای مادی و معنوی است. لذا پس از تأیید لباس پوشاننده و زینتی (با تعبیر انزلنا علیکم) آمده است.

۲۷

إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ:

• اطمینان از خود و غفلت از وسوسه های پنهان شیاطین، گام اساسی سقوط اهل ایمان است.

• از آثار غفلت از کارهای شیاطین: وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ (آیه ۳۰)

...

إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ:

• نمونه: تنها پس از موافقت خود انسان است که شیطان می‌تواند از مرزهای روح او بگذرد ...

• اقول: همینکه ایمان به بایسته ها نیاورم، شیطان ولی من می‌شود؛ لازم نیست که به شیطان ایمان بیاورم و

او را رسماً بپذیرم. بنابراین:

○ (نحل ۱۰۰) إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ: تولى شیطان و شرک به

خدا، با ایمان نیاوردن به او محقق می‌شود.

▪ (اعراف ۳۰) إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

○ (حجر ۴۲) إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ: بستن راه سلطه شیطان

عبادت و بندگی و گم نکردن هدف و راه است (مؤثر در امر تبلیغ و تربیت)

۳۱

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

• زینت:

○ انواع زینت:

- مادی: لباسهای مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن
- معنوی: صفات انسانی و ملکات اخلاقی، پاکی نیت و اخلاص، رهبران و پیشوایان شایسته و ...

○ توسعه در مصادیق زینت:

- مقدمه: انواع تأویل

- تأویل تفسیری: ارجاع متشابهات به محکمت
- تأویل عرفانی: مبتنی بر تشبیه و استعاره و تنقیح مناط ظاهر به باطن
- تأویل عرفانی، نه تفسیری
 - ادعا شده که تأویل عرفانی صرفاً تداعی معانی است و ربطی به تفسیر ندارد تا احتمال تفسیر به رأی داده شود. (مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۵۲)
 - پاسخ از این ادعا: تفسیر در روایات به معنای لغوی است و تفسیر در مقابل تأویل عرفانی، به معنی اصطلاحی است. پس روایات، شامل تأویل عرفانی و تداعی معانی عرفا نیز می شود.

○ مثال: قصه گم شدن انگشتر سلیمان (مکاتب تفسیری، ج ۲، ص

(۷۷)

۴۰

سپس اضافه می کند: «آنها وارد بهشت نخواهند شد، تا زمانی که شتر از سوراخ سوزن بگذرد!» (وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ).

این تعبیر کنایه لطیفی از محال بودن این امر است، در واقع برای اینکه عدم امکان دخول این افراد در بهشت به صورت یک مساله حسی درآید، این مثال انتخاب شده است، تا همانطور که هیچکس تردید ندارد که ممکن نیست شتر با آن جثه بزرگش از سوراخ باریک سوزن عبور کند، همین طور مسلم بدانند راهی برای ورود افراد بی ایمان متکبر در بهشت مطلقاً موجود نیست!

«جمل» در لغت به معنی شتری است که تازه دندان برآورده، ولی یکی از معانی جمل طنابهای محکمی که کشتی ها را با آن مهار می کنند، نیز می باشد^{۱۷} و از آنجا که طناب و سوزن تناسب بیشتری با هم دارند، بعضی این معنی را در تفسیر آیه بهتر دانسته اند، ولی بیشتر مفسران اسلامی معنی اول را ترجیح داده اند، و حق با آنها است زیرا:

اولا- در روایات پیشوایان اسلام نیز تعبیراتی دیده می شود که با تفسیر اول متناسب است.

ثانیا- نظیر این تفسیر در باره ثروتمندان (خودخواه و متکبر) نیز در انجیل دیده می شود، در انجیل لوقا باب ۱۸ جمله ۲۴ و ۲۵ چنین می خوانیم که عیسی فرمود: «چه بسیار مشکل است کسانی را که صاحبان دولتند در آمدن

^{۱۷} (۲) به کتاب "تاج العروس" و "قاموس" و ماده جمل مراجعه کنید.

در ملکوت خدا، زیرا آسانتر است شتر را که در چشمه سوزن درآید از اینکه صاحب دولتی در ملکوت خدا داخل شود».

حد اقل از این جمله چنین استفاده می‌شود که این کنایه، از قدیم در میان اقوام معمول بوده است. هم امروز نیز در میان ما این ضرب المثل درباره افرادی که گاهی زیاد سختگیرند و گاهی بسیار آسان می‌گیرند رائج است، می‌گویند «فلان کس گاهی از دروازه وارد نمی‌شود، ولی گاهی از چشمه سوزن عبور می‌کند».

ثالثاً- با توجه به اینکه کلمه «جمل» بیشتر در معنی اول به کار می‌رود و استعمال این کلمه در معنی طناب ضخیم بسیار کم است تفسیر اول مناسبتر به نظر می‌رسد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره انعام

۱۱۱

معنای قُبُلًا: روبرو

از نظر تفسیر نمونه، چرا خدا معجزاتی که مشرکان خواسته بودند را ارائه نمی‌کند؟ زیرا ایمان نمی‌آورند مگر با جبر، که آن هم فائده‌ای ندارد و ارزش محسوب نمی‌شود.

منظور از جاهلان چه کسانی هستند؟ و چه چیزی را نمی‌دانند؟

• مؤمنان مصر بر ارائه معجزه: نمی‌دانند که مشرکان ایمان نخواهند آورد و در تقاضای خود صادق نیستند.

• کفار درخواست کننده: نمی‌دانند که خدا بر هر کار خارق العاده‌ای توانا است.

۱۱۲

• تفاوت ابلیس و شیطان: شیطان اسم جنس و ابلیس اسم خاص (علم) است.

• زخرف القول: سخنان فریبنده، با ظاهری زیبا و باطنی زشت

• غرور: اغفال

• معنای وحی: سخنان آهسته و در گوشه (اعلام سریع خفی)

- اشاره واژه وحی به چیست؟ آنها در گفتار و اعمال شیطانی خود نقشه‌های اسرار آمیز دارند که محرمانه به یکدیگر القاء می‌کنند، تا مردم از کار آنها آگاه نشوند، و طرحهای آنها کاملاً پیاده شود.

۱۱۳

- لتصغی: از ماده صغو (بر وزن سرو) به معنی تمایل پیدا کردن به چیزی است، ولی بیشتر به تمایلی گفته می‌شود که از طریق شنیدن و بوسیله گوش حاصل می‌گردد، و اگر کسی به سخن دیگری با نظر موافق گوش کند به آن «صغو» و «اصغاء» گفته می‌شود.
- لام لتصغی: عاقبت: «سرانجام کار آنها این خواهد شد که افراد بی‌ایمان یعنی آنها که به روز رستاخیز عقیده ندارند به سخنان آنها گوش فرا دهند و دل‌هایشان به آن متمایل گردد».
- اقراراف: ارتکاب (اکتساب): و پایان همه آنها ارتکاب انواع گناهان و اعمال زشت و ناپسند خواهد بود (وَ لَيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ).

۱۱۴

- مفصل: تمام نیازمندیهای تربیتی انسان در آن آمده و میان حق و باطل، نور و ظلمت، کفر و ایمان، جدایی افکنده است.

۱۱۵

- معنای کلمه و وجه تسمیه وعده و دین و حکم و دستور به کلمه: «کلمة» در لغت به معنی گفتار و هر گونه جمله‌ای است و حتی به سخنان مفصل و طولانی گفته می‌شود، و اگر می‌بینیم گاهی به معنی «وعده» آمده است مانند وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا: «وعده پروردگارت درباره بنی اسرائیل در مقابل صبر و استقامتی که کردند انجام پذیرفت» (سوره اعراف آیه ۱۳۶) نیز از همین نظر است، زیرا انسان به هنگام وعده دادن جمله‌ای می‌گوید که وعده را در بر دارد. و نیز گاهی کلمه به معنی دین و آئین و حکم و دستور می‌آید که آنها نیز به همین ریشه باز می‌گردد.

نحوه دلالت آیه ۱۱۵ بر عدم تحریف قرآن چیست؟ اطلاق لا مبدل لکلماته

معنای تمام شدن قرآن چیست؟ هر چه نازل شده بود بدون عیب و نقص و از هر نظر کامل بود

۱۱۸ و ۱۱۹

دلیل امر به خوردن از چیزهایی که اسم خدا بر آنها رفته است چیست؟ (حصر موارد مباح)

۱۲۰

دو معنی گناهان ظاهر و باطن چیست؟

معنای فسق: گناه و خروج از راه و رسم بندگی و اطاعت فرمان خدا
دلیل حرمت ذبیحه های غیر اسلامی بر اساس این آیه چیست؟ آنها به هنگام ذبح، مقید به بردن نام خدا بر آن
نیستند.

شأن نزول آیه چیست؟ دو روایت: حمزه و ابوجهل، عمار یاسر و ابوجهل
ارتباط این آیه با آیات قبل: دو دسته انسان
چرا قرآن، حیات و مرگ را درباره امور معنوی به کار می برد؟
نقش خدا در ایمان انسانها چیست؟
مراد از نور چیست؟
چرا به جای کمن فی الظلمات، فرمود: کمن مثله فی الظلمات؟ معنی مثل در این آیه چیست؟ دو معنی:

- ضرب المثل

- شبیح

چرا نور را مفرد و ظلمات را جمع آورد؟

به چه دلیل، می توان کارهایی مثل قرار دادن اکابر مجرمان در یک منطقه را به خدا نسبت داد؟
لام لیمکروا به چه معنی است؟
معنی اصلی مکر چیست؟ در این آیه مراد از مکر چیست؟
مکر مجرمان به خود، با چه منطق و دلیلی اثبات می شود؟
از این آیه کدام اصل جامعه شناختی به دست می آید؟ تأثیر اقلیت فاسد مفسد (سردمداران) در انحراف جوامع

شأن نزول این آیه چیست؟

- ولید بن مغیره: سن و مال

- ابوجهل: رقابت خانوادگی

از نظر تفسیر نمونه، کدام ملاک ها برای رسالت، باطل و کدام، صحیح است؟

چرا وصی پیامبر نیز باید عصمت داشته باشد؟

چرا عاقبت تحقیر آمیزی را برای مجرمان تصویر می کند؟

چرا عذاب آنها را توصیف به «شدت» می کند؟

منظور از «هدایت» و «اضلال» الهی چیست؟

نسبت «هدایت» و «اضلال» الهی با اراده انسان چیست؟ مکمل

معنای شرح و صدر؟

شرح صدر چیست؟ آمادگی برای پذیرش هر واقعیتی - هر چند بزرگ باشد.

شرح صدر از نظر پیامبر اسلام چیست؟

معنای حرج؟

دو احتمال در مشارالیه هذا و معنای مستقیم را ذکر کنید.

این عبارت از آیه را ترجمه کنید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ»

دلیل تفسیر نمونه برای اراده خصوص شیاطین از کلمه جن، چیست؟^{۱۸}

دو احتمال در وجه استثناء به مشیت خدا چیست؟

چرا ظالمان را در قیامت به یکدیگر واگذار می کند؟

از نظر قرآن، دلیل انحراف ظالمان چیست؟

دو احتمال در معنای «لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ» را ذکر کنید.

دلیل ظالم نبودن خدا چیست؟ غنی، رحمت، قدرت

دلیل بر زشتی سهم بندی زراعت و انعام توسط بت پرستان چیست؟^{۱۹}

^{۱۸} منظور از کلمه «جن» در اینجا همان شیاطین است، زیرا

• جن در اصل لغت همانطور که قبلا هم گفته ایم به معنی هر موجود ناپیدا می باشد

• و در آیه ۵۰ سوره کهف در باره رئیس شیاطین «ابلیس» می خوانیم «كَانَ مِنَ الْجِنِّ» یعنی او از جن بود.

• آیات گذشته که از وسوسه های رمزی شیاطین با جمله «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ» سخن می گفت، همچنین آیه بعد که از رهبری بعضی از

ستمگران از بعضی دیگر سخن می گوید می تواند اشاره ای به این موضوع باشد.

علت اسناد تزیین قتل فرزندان به بتها چیست؟^{۲۰}

مراد از «ما فی بَطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ» چیست؟ چرا شامل شیر انعام نمی شود؟

معنای وَصْفَهُمْ چیست؟^{۲۱}

معنای معروش و غیر معروش چیست؟^{۲۲}

معنی و مصادیق اسراف چیست؟^{۲۳}

دلیل تقييد آیه به «اذا اتمر» بعد از ذکر «من ثمره» چیست؟

مراد از «حقه» چیست؟^{۲۴}

معنای حمولة و فرش؟

علت تعبیر «ما رزقکم الله» به جای «حيوانات» چیست؟

۱۹- ۱- بطلان سهم بندی برای خالق همه چیز؛ ۲- برتری دادن به بتها در تخصیص خود سهم؛ ۳- برتری دادن به بتها در مصرف کننده آن سهمها
۲۰- ۱. تأثیر عشق برتر به بتها در عمل آنها؛ ۲. تشویق متولیان بتکده ها به این عمل؛ ۳. نقش عقیده و سوگند به بتها در مسئله زنده به گور کردن دختران؛ ۴.

تأثیر عشق به بتها در فقر و کشتن فرزندان

۲۱- توصیفی که آنها از خدا می کردند و تحریم این گونه غذاها را به خدا نسبت می دادند؛

• صفت و حالتی که بر اثر تکرار گناه به شخص گناهکار دست می دهد و او را مستحق مجازات می کند.

۲۲- ۱- [درخت نیازمند به داربست و بی نیاز از آن]

۲- [درخت اهلی و جنگلی]

۳- [درخت ایستاده و خوابیده]

۲۳ معنی: تجاوز از حد اعتدال

مصادیق: عدم اسراف در خوردن و یا عدم اسراف در بخشش

۲۴- ۳- حق این نعمتها: انفاق مستحبی، نه انفاق واجب منسوخ به زکات

منظور از این حق که بهنگام درو باید پرداخت چیست؟ بعضی معتقدند همان زکات واجب، یعنی یک دهم و یک بیستم است، ولی با توجه به اینکه این سوره در مکه نازل شده و حکم زکات در سال دوم هجرت و یا بعد از آن در مدینه نازل گردیده است، چنین احتمالی بسیار بعید به نظر می رسد.

در روایات فراوانی که از اهل بیت ع به ما رسیده و همچنین در بسیاری از روایات اهل تسنن این حق، غیر از زکات معرفی شده و منظور از آن چیزی است که بهنگام حضور مستمند در موقع چیدن میوه و یا درو کردن زراعت به او داده می شود، و حد معین و ثابتی ندارد و در این صورت آیا این حکم واجب است یا مستحب، بعضی معتقدند که یک حکم وجوبی است که قبل از تشریح حکم زکات بر مسلمانان لازم بوده ولی بعد از نزول آیه زکات، این حکم منسوخ شد، و حکم زکات با حد و حدود معینش به جای آن نشست.

ولی از روایات اهل بیت ع استفاده می شود که این حکم نسخ نشده و به عنوان یک حکم استحبابی هم اکنون به قوت خود باقی است.

۱۴۴

دلیل پرسش از شاهد وصیت الهی بودن قائلان به تحریم این حیوانات چیست؟

۱۴۵

دلیل حصر حیوانات حرام گوشت در ۴ مورد چیست؟

۱۴۶

علت تحریم برخی نعمتها بر یهودیان چه بود؟

۱۴۸

سه توجیه مشرکان برای جرمهای خود چه بود؟

پاسخ های قرآن به این سه توجیه چیست؟ در عبارت «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ»

۱۴۹

مراد از الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ چیست؟

مصدق حجت بالغه از نظر روایات چیست؟

۱۵۱

یک مصداق از گناهان آشکار و پنهان را ذکر کنید.

۱۵۲

مراد از عهد الهی چیست؟

۱۵۴

معنای تأخیر در تم چیست؟

۱۵۷

معنای صدف چیست؟

چرا مفسران، سوء العذاب را به عذاب شدید تفسیر کرده اند؟

وجه تکرار جمله یصدفون چیست؟

۱۵۹

مراد از «الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ» چه کسانی هستند؟

۱۶۰

مراد از حسنه و سیئه چیست؟

مراد از جاء به چیست؟

۱۶۱

وجوه تکرار «قل» در این سوره چیست؟

معنای قِیماً چیست؟^{۲۵}

معنای حنیف در لغت و اصطلاح قرآنی چیست؟^{۲۶}

۱۶۲

معنای نسک چیست؟

۱۶۴

دو نوع پاداش انسان از اعمال نیکش چیست؟ کدام یک را می تواند به دیگران اهدا کند؟

۱۶۵

فلسفه اختلاف در امکانات و استعدادها چیست؟^{۲۷}

تعبیر خلافت انسان از خدا، چگونه باعث می شود که اسلام در مساله مالکیت، هم از اردوگاه «کمونیسم» فاصله

بگیرد و هم از اردوگاه «کاپیتالیسم» و سرمایه داری؟

سوره اعراف

۱

دو احتمال در تفسیر حروف مقطعه

۲

معنای حرج

۴

معنی قریه؟

معنی او هم قائلون؟

۲۵

۱. مستقیم در نهایت راستی و درستی،

۲. ابدی و جاویدان

۳. قائم به امور دین و دنیا و جسم و جان

^{۲۶} «حنیف» به معنی شخص یا چیزی است که تمایل به سویی پیدا کند، ولی در اصطلاح قرآن به کسی گفته می شود که از آئین باطل زمان خود روی گرداند و به آئین حق توجه کند.

^{۲۷} ابتلا

معنی بیاتا؟

علت رسیدن مجازات الهی به هنگام استراحت چیست؟

معنای فاء فجاءها چیست؟ (تفصیل پس از اجمال)

۶

دو وجه جمع بین آیاتی که سؤال در قیامت را نفی می کنند با این آیه چیست؟

۷

معنای قص؟

۹

مراد از ظلم به آیات چیست؟

۱۰

معنای تمکین؟ تمام وسائل کار را در اختیار او بگذارند، به او قدرت و توانایی بخشند، ابزار کار را فراهم کنند و

موانع را برطرف سازند

۱۲

قیاس باطل ابلیس چه بود؟ (او آفرینش خود را از نظر مادی با آفرینش آدم، مقایسه نمود و برتری آتش را در پاره‌ای از جهات، بر خاک دلیل بر برتری همه جانبه گرفت، بدون اینکه به سایر امتیازات خاک و از آن بالاتر به امتیازات روحانی و معنوی آدم توجه کند، و به اصطلاح از طریق "قیاس اولویت"، اما قیاسی که بر پایه تخمین و گمان و مطالعه سطحی و محدودش قرار داشت، حکم به برتری خود بر آدم نماید، و حتی فرمان خدا را به خاطر همین قیاس باطل زیر پا بگذارد!)

۱۳

طبق روایت نهج البلاغه، استدلال امیر المؤمنین ع برای جهنمی بودن شخص متکبر چیست؟

۱۷

روایت امام باقر ع چهار جهت را به چه چیزی تفسیر می کند؟

۲۰

معنی «ووری» و «سوءات»

۲۲

معنی «دلّاهما»

از تفاوت های آدم عهد عتیق با آدم قرآن چیست؟

دلیل اینکه آدم و حوا از اول لباس داشتند و پس از معصیت، لباسشان کنده شد چیست؟
از تفاوت تعبیر «هذه الشجرة» در آیه ۱۹ با «تلکما الشجرة» در آیه ۲۲ چه برداشتی می شود؟
در روایات، دو گونه تفسیر برای شجره ممنوعه چیست؟ (مادی: گندم و ...، معنوی: حسد و ...)
در عهد عتیق دو درختی که ممنوعه شمرده شده اند کدامند؟
دو دلیل برتری نظر نهی تنزیهی بر نهی ارشادی در قصه حضرت آدم را بیان کنید:

- نیاز به غفران
- آموزش تکلیف در دوران بهشت نشینی آدم

۲۶

معنای ریش؟

دلیل تعبیر انزال لباس چیست؟

۴۰

سه دلیل بر ترجیح معنای شتر برای کلمه «جمل» ذکر کنید.